

ایمان، تنها و صرف علم نیست، به دلیل آیات زیر که از کفر و ارتداد افرادی خبر می‌دهد که با علم به انحراف خود کافر و مرتد شدند، مانند آیه "إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ" ^۱ و آیه "إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ" ^۲ و آیه "وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ" ^۳ و آیه "وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ" ^۴، پس بطوری که ملاحظه می‌فرمایید این آیات، ارتداد و کفر و جحود و ضلالت را با علم جمع می‌کند.

پس معلوم شد که صرف علم به چیزی و یقین به اینکه حق است، در حصول ایمان کافی نیست، و صاحب آن علم را نمی‌شود مؤمن به آن چیز دانست، بلکه باید ملتزم به مقتضای علم خود نیز باشد، و بر طبق مؤدای علم عقد قلب داشته باشد، به طوری که آثار عملی علم - هر چند فی الجمله - از وی بروز کند، پس کسی که علم دارد به اینکه خدای تعالی، الهی است که جز او الهی نیست، و التزام به مقتضای علمش نیز دارد، یعنی در مقام انجام مراسم عبودیت خود و الوهیت خدا بر می‌آید، چنین کسی مؤمن است، اما اگر علم مزبور را دارد، ولی التزام به آن را ندارد، و علمی که علمش را بروز دهد و از عبودیتش خبر دهد ندارد چنین کسی عالم هست و مؤمن نیست.

^۱ کسانی که بعد از روشن شدن راه هدایت برایشان باز هم پشت می‌کنند. سوره محمد، آیه ۲۵.

^۲ آنان که بعد از روشن شدن راه هدایت برایشان، باز کافر شدند و از راه خدا جلوگیری کردند، و با رسول دشمنی ورزیدند. سوره محمد، آیه ۳۲

^۳ آن را انکار کردند با اینکه به حقانیت آن یقین داشتند. سوره نمل، آیه ۱۴

^۴ خدا در عین اینکه عالم بودند گمراهشان کرد. سوره جاثیه، آیه ۲۳